

The Aesthetics of Theatrical Punishment in the Novel *The Last Day of a Condemned Man*

Hamidreza Daneshnari¹ , Abdolreza Javan Jafari Bojnordi² , Abolfazl Sherafati³ 

¹ (Corresponding author), Assistant Professor at the Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, Email: daneshnari@um.ac.ir

² Professor at the Department of Criminal and Criminology Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, Email: javan-j@um.ac.ir

³ M.A. Student in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, Email: abolfazl.sherafati@mail.um.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Full Paper

Article history:

Received: 2025-12-09

Accepted: 2026-05-10

Keywords:

Punishment theatre
Sociology of Punishment
Aesthetics of Ugliness
Aesthetics of Punishment
Garland

ABSTRACT

Punishment in traditional societies is an emotional response intertwined with violence, and its public display stirs the sentiments of the community. Performed publicly by the state in the main squares of cities in the past, brutal and corporal punishments were presented as a live theatre until the early 19th century. The public execution of corporal punishments was, in fact, a dramatic display of the legitimate use of violence on the body of the offender. However, theatrical punishment, as a form of entertainment and grand spectacle, was used to generate an aesthetic perception in the audience. The present article attempts to explain punishment in light of two concepts: aesthetics and the aesthetics of ugliness, by examining Victor Hugo's *The Last Day of a Condemned Man*. To do so, it will employ close reading and qualitative content analysis. The findings suggest that power, through the dramatic execution of punishment, creates an artwork through the criminal's body. Despite the moral ugliness of violent punishments, their display has aesthetic qualities for audiences. Moreover, the ritualistic performance of punishment creates a collective aesthetic experience, fostering social solidarity and empathy. Aesthetic perception is linked to culture. Thus, with cultural progress in contemporary societies, individuals no longer derive pleasure from observing punishment. Rather, they experience disgust and hatred towards the violence of punishment. Consequently, the execution of punishment in modern societies has been moved behind the closed doors of prisons.

Cite this article Daneshnari, H.R., Javan Jafari Bojnordi, A.R., Sherafati, A. (2026). The Aesthetics of Theatrical Punishment in the Novel *The Last Day of a Condemned Man*. *Journal of Literary and Social Research*, 5(1), 17-32.



©The author(s)

Publisher: Golestan University

Doi: 10.30488/sipl.2026.565399.1132



زیبایی‌شناسی تئاتر مجازات در رمان آخرین روز یک محکوم

حمیدرضا دانش ناری^۱، عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی^۲، ابوالفضل شرافتی^۳

^۱ (نویسنده مسئول) استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، رایانامه: daneshnari@um.ac.ir

^۲ استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، رایانامه: javan-j@um.ac.ir
^۳ دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، رایانامه: abolfazl.sherafati@mail.um.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله کامل علمی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۲/۲۱</p> <p>واژه‌های کلیدی: تئاتر مجازات جامعه‌شناسی کیفر زیبایی‌شناسی زشتی زیبایی‌شناسی مجازات گارلند</p>	<p>مجازات در جوامع سنتی، یک پاسخ عاطفی است که با خشونت گره خورده است و تماشای آن احساسات جامعه را بر می‌انگیزند. مجازات‌های خشن و بدنی تا ابتدای قرن نوزدهم، به صورت علنی، توسط حکومت در میدان اصلی شهر و در قالب یک تئاتر زنده، اجرا می‌شود. اجرای علنی مجازات‌های بدنی در واقع نمایش دراماتیکی از اعمال خشونت مشروع بر جسم بزهکاران است. با این حال، به نظر می‌رسد که تئاتر مجازات به عنوان یک سرگرمی و نمایش بزرگ، ادراک زیبایی‌شناختی در تماشاگران ایجاد می‌کند. این مقاله تلاش می‌کند تا با تحلیل رمان آخرین روز یک محکوم، مجازات را ذیل دو مفهوم زیبایی‌شناسی و زیبایی‌شناسی زشتی تبیین نماید. یافته‌های این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی نشان می‌دهد که قدرت با اجرای نمایشی مجازات و با استفاده از جسم، اثری هنری تولید می‌کند. با وجود زشتی اخلاقی مجازات‌های خشونت‌آمیز، اما نمایش آن‌ها دارای جلوه‌های زیبایی‌شناختی است. علاوه‌براین، اجرای آیینی مجازات موجب شکل‌گیری تجربه زیبایی‌شناسانه جمعی می‌شود که همبستگی و همدلی اجتماعی را به همراه دارد. ادراک زیبایی‌شناختی با فرهنگ جامعه ارتباط دارد، از این‌رو، با تحولات فرهنگی و متمدن شدن جوامع امروزی، افراد نه تنها از تماشای مجازات لذت نمی‌برند، بلکه نسبت به خشونت مجازات، احساس انزجار و تنفر می‌کنند. به همین دلیل در جوامع مدرن، اجرای مجازات به پشت در بسته زندان‌ها منتقل می‌شود.</p>

استناد: دانش ناری، حمیدرضا؛ جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ شرافتی، ابوالفضل. (۱۴۰۵). زیبایی‌شناسی تئاتر مجازات در رمان آخرین روز یک محکوم. فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبی و اجتماعی، ۵(۱)، ۳۲-۱۷.



مقدمه

جامعه بشری عاری از مجازات نیست و مجازات بخش مهمی از حیات اجتماعی جامعه و ابزار حفظ نظم در جوامع انسانی بوده است. اجرای علنی مجازات‌ها، به ویژه مجازات اعدام و مجازات‌های بدنی، به عنوان شکل اصلی کیفردهی در جوامع سنتی، حضور چشم‌گیری در تاریخ حیات انسان داشته است. در این جوامع، میدان مرکزی شهرها سکوی نمایش مجازات‌های مبتنی بر تعذیب و خشونت بوده که با استقبال مردم به نمایش‌های بزرگ و تراژدی‌های تاریخی مبدل می‌شد.

در جوامع سنت‌گرا، محاکمات و اجرای مجازات‌ها عموماً همراه با تشریفات و مراسمی تئاترگونه به نمایش درمی‌آمد. در واقع، محاکمه و اجرای مجازات نوعی مراسم عمومی به شمار می‌آمد که با تشریفات، نمادها و نمایش قدرت همراه بود. از این رو، دورکیم می‌گوید، مجازات در جوامع سنتی، چیزی جز یک نمایش معنادار نیست (Durkheim, 1961: 192) و تشریفات کیفری نیز ابزار این نمایش به ظاهر اخلاقی است. این تشریفات نه تنها بیانگر احساسات جمعی است، بلکه احساسات را بر می‌انگیزد و نوعی نمایش تعلیمی را شکل می‌دهد (گارلند، ۱۳۹۵: ۱۰۰). طی قرن‌های متمادی، کیفرهای جسمانی، خشونت و رنج بسیاری را تولید می‌کرد و این رنج جزئی از فرآیند اعمال مجازات به حساب می‌آمد. در دوره تسلط مجازات‌های تعذیبی، بدن مجرم در معرض شدیدترین و زجرآورترین شکنجه‌ها قرار می‌گرفت و جامعه باید این مراسم را تماشا می‌کرد. این مجازات‌ها به سبک‌های نمایشی و در مکان‌های شلوغ شهر به عنوان یک سرگرمی همگانی به اجرا در می‌آمد. در این نمایش مردم پیش از اجرای مجازات‌های خشن چون اعدام، مجرم را مورد آزار قرار داده و در بسیاری از موارد، مجرم قبل از اجرای رسمی مجازات جان می‌داد (هالوری، ۱۳۹۳: ۱۸۳).

در این دوره، مراسم محاکمه و اجرای علنی مجازات‌ها، یک تئاتر زنده و عینی به شمار می‌آمد که با تصویرسازی از جرم تلاش می‌کرد، پیام روشن و آشکاری را به شکل نمادین به بینندگان خود منتقل نماید. در واقع، مجازات اعلان خطری بود که نشان می‌داد، هنجارهای جامعه نقض شده و مجازات وسیله‌ای برای احیای مجدد ارزش‌های مورد وفاق اجتماعی و صیانت از آن‌ها است (جوان جعفری و ساداتی‌الف)، (۱۳۹۴: ۱۶۲). علاوه بر این، تئاتر مجازات، اقتدار قدرت حاکم را به جامعه نشان می‌داد. به بیان دیگر، خشونت کیفری در قالب یک آیین اجتماعی موجب بازتولید ارزش‌ها، نمایش قدرت، هشدار و ارباب و ایجاد همبستگی اجتماعی می‌شد. امروزه، کارکرد نمادین و پیام‌رسانی کیفر همانند گذشته قابل طرح نیست و مجازات‌ها به جای نمایش خشونت، نظم را به نمایش می‌گذارند. به تعبیر گارلند، مجازات جامعه مدرن دارای جنبه فنی و علمی است و روش‌های عالمانه، با اهداف جدید جایگزین شیوه‌های سنتی مجازات شده است. این اهداف می‌توانند اصلاح و تربیت بزهکار، اجتماعی کردن وی و یا کنترل اجتماعی باشد (Garland, 1990: 7).

اجرای علنی مجازات‌ها را می‌توان به عنوان تئاتری در نظر گرفت که فرم، اجرا، نمادپردازی و مخاطب مخصوص دارد. بدین ترتیب، نمایش مجازات این ظرفیت را دارد که بر مبنای اندیشه‌های زیبایی‌شناسی مورد ارزیابی قرار گیرد. زیبایی‌شناسی یکی از شاخه‌های فلسفه هنر است که به بررسی ماهیت زیبایی، ادراک حسی، تجربه هنری و ارزش‌های زیباشناختی می‌پردازد. از دوران باستان تا امروز، فیلسوفان و اندیشمندان کوشیده‌اند تا به این سؤال پاسخ دهند که زیبایی چیست؟ چگونه درک می‌شود؟ و چه تأثیری بر انسان دارد؟ (عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۴۱). این پژوهش با نگاهی متفاوت و استعاره‌ای به اجرای مجازات در ملأعام به عنوان یک اثر هنری، از چارچوب متداول در پژوهش‌های زیبایی‌شناسی فراتر رفته است و تحلیلی بدیع از زیبایی‌شناسی با رویکرد جامعه‌شناسی مجازات ارائه خواهد کرد. علت انتخاب رویکرد جامعه‌شناسی کیفر، این است که سیر تحول تجربه زیبایی‌شناسی از تماشای صحنه مجازات بررسی شود تا درک جامع‌تری از زیبایی‌شناسی مجازات به دست آید.

در این مقاله تلاش می‌شود تا ابعاد زیبایی‌شناختی اجرای علنی مجازات‌ها در رمان آخرین روز یک محکوم اثر ویکتور هوگو در بستر جامعه‌شناسی کیفر تحلیل شود. از این جهت، تحلیل متون ادبی نه تنها جنبه‌های زیبایی‌شناختی

یک متن را آشکار می‌سازد؛ بلکه به شناخت فرهنگی که اثر در بافت آن تولید شده نیز کمک می‌کند. تحلیل‌های تاریخی متون ادبی می‌تواند موجب خوانش عمیق‌تر و کشف معنای ناپیدای متن شود (کوش، ۱۳۹۶: ۱۰۶). هوگو نویسنده‌ای است که درون ساختار قدرت سیاسی و حکومتی فرانسه دارای مقام و منصب بوده و سخنگوی اعتراض مردم جامعه خود بوده است (معظمی فراهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). در زمان انتشار این اثر، قانون مجازات فرانسه ۱۸۱۰ که به کد ناپلئون شهرت دارد، بر جامعه حکم‌فرما است. در این قانون، همچون قانون سابق، کیفر اعدام همچنان به حیات مقتدرانه خود در عرصه حقوق کیفری ادامه می‌دهد (رستمی و جعفریان، ۱۳۹۷: ۱۴۰). از این‌رو، هوگو در این رمان از مجازات‌های غیرانسانی عصر خود انتقاد می‌کند. هر چند امروزه صحبت از حذف مجازات اعدام چندان ناشناخته و غریب نیست، اما هوگو ۲۰۰ سال پیش این اندیشه پیشگام را در جامعه‌ای مطرح می‌سازد که مردم از مجازات‌های خشن استقبال می‌کنند. وی در نقد نظام عدالت کیفری دست به ساختارشکنی زده و اندیشه‌هایی را مطرح می‌سازد که از جامعه خود جلوتر می‌باشد. هوگو و آثارش در اصلاحات بعدی قوانین نقش مهمی ایفا می‌کنند و از این حیث، می‌توان به نقش ادبیات و ادبا در تحول حقوق کیفری اشاره کرد. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که با بررسی ابعاد نمایی و زیبایی‌شناسی کیفر، نقش قدرت، فرهنگ و جامعه را در اصلاح مجازات‌ها نشان می‌دهد. علاوه‌براین، در این زمینه، پژوهش‌چندانی وجود ندارد و این پژوهش تلاش خواهد کرد تا این خلأ را پر نماید.

پرسش اصلی پژوهش این است که آیا می‌توان از زیبایی‌شناسی کیفر سخن گفت؟ چه جنبه‌های زیبایی‌شناختی از نمایش کیفر در رمان آخرین روز یک محکوم وجود دارد؟ چه عواملی موجب می‌شود تا تئاتر اجرای علنی مجازات‌ها که تا قرن هجدهم در اروپا مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت، از انظار عمومی ناپدید شود؟ هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه میان زیبایی‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفر و توسعه قلمرو مطالعاتی این دو حوزه است. بدین ترتیب، در ابتدا، شرح مختصر رمان و روش‌شناسی تحقیق ارائه می‌شود. سپس اجمالاً مبانی نظری بیان می‌شود و در نهایت، پس از تحلیل یافته‌ها بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، نتیجه حاصل از این پژوهش بیان خواهد شد.

روش‌شناسی

این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، صحنه‌های اجرای علنی مجازات در رمان آخرین روز یک محکوم را که جلوه‌های نمایشی دارد بررسی خواهد کرد. بنابراین، مسئله این پژوهش تبیین زیبایی‌شناسی مجازات‌های علنی است و در پی پاسخ به این سؤالات است: داده‌های زیبایی‌شناختی اجرای کیفر در رمان چه ارتباطی با نظریات جامعه‌شناسی کیفر دارد؟ هدف اجرای نمایش مجازات اعدام در رمان چیست؟ در ابتدا، به منظور درک کلی از اثر، خوانش متن چندین مرتبه تکرار شده است. سپس جملات معنادار استخراج شده و واحدهای معنا کدگذاری شده‌اند. کدها با استفاده از رویکرد قیاسی از متن استخراج شده‌اند. در ادامه کدها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان طبقه‌بندی شده و در نهایت، مقوله‌ها تنظیم شده است.

مبانی نظری

مبانی نظری پژوهش بر اساس سه رویکرد زیبایی‌شناسی، زیبایی‌شناسی زشتی و جامعه‌شناسی کیفر بررسی می‌شود. این سه رویکرد، چارچوبی را برای تحلیل پیوند میان مجازات و زیبایی‌شناسی فراهم می‌آورد.

زیبایی‌شناسی: زیبایی‌شناسی ریشه در واژه یونانی «*iahtsinahtsia*» به معنای ادراک حسی دارد. این کلمه بر نوعی احساس و ادراک حسی دلالت می‌کند و از این‌رو، زیبایی توسط حواس قابل درک می‌باشد (بووی، ۱۳۸۵: ۱۲۰؛ اسفندیاری، ۱۳۹۲: ۶۹؛ عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۴۸). زیبایی‌شناسی یا زیبا‌حسّیک^۱ به عنوان یک مقوله فلسفی توجه

^۱ عده‌ای برگردان زیبایی‌شناسی را یک سوءفهم نسبت به *Aesthetics* برشمرده‌اند و واژه «زیبا حسّیک» را پیشنهاد کرده‌اند.

فیلسوفان را به خود جلب کرده است. افلاطون، درباره جایگاه هنر و زیبایی‌شناسی در شعر، نقاشی، ادبیات و تئاتر بحث می‌کند. ارسطو نیز با نگاهی فلسفی به بررسی زیبایی‌شناسی پرداخته و زیبایی را با مفاهیمی چون نظم، هماهنگی، تناسب و تقارن تعریف می‌کند. (همتی، ۱۳۸۶: ۲۰). نخستین بار الکساندر گاتلیب باومگارتن^۱ در کتاب *Aesthetica* که در سال ۱۷۵۰ منتشر شد، زیبایی‌شناسی را به عنوان شاخه‌ای از فلسفه مطرح ساخت. باومگارتن با تأکید بر این مسئله که زیبایی‌شناسی علم شناخت حسی است، از سه معیار برای کمال زیباشناختی سخن می‌گوید که عبارت‌اند از: غنای تخیل، وسعت تخیل و وضوح در عرصه (Baumgarten, 2007: 65). کانت^۲ در کتاب *نقد قیوه حاکم*^۳ می‌گوید: «زیبا چیزی است که سواى مفاهیم، به مثابه متعلق رضایتی همگانی تصور شود» (کانت، ۱۳۸۳: ۱۰). وی معتقد است که خیر و یا هر گونه علاقه اخلاقی نمی‌تواند رابطه مستقیمی با زیبایی داشته باشد. به عبارت دیگر، نمی‌توان غایت اخلاقی را مبنا و ملاک زیبایی‌شناسی قرار داد (سلمانی، ۱۳۹۴: ۷۸). از نظر دکارت زیبایی سوپزکتیو است؛ به این معنی که هر چیزی که سلیقه یا حساسیت ذهنی انسان را ارضا نماید، زیبا است. از این منظر زیبایی چیزی جز ادراک ذهنی و لذت حاصل از آن نیست (اسفندیاری، ۱۳۹۲: ۸۱). براین اساس، دو نوع کمال برای پدیده‌ها در عالم هنر قابل درک است؛ کمال واقعی و کمال ظاهری. هرچند ادراک کمال ظاهری مقارن با نوعی لذت کاذب است، اما از آن جهت که رسالت زیبایی‌شناسی، بررسی واکنش زیباشناختی مخاطب نسبت به یک پدیده است، در زمره مسائل زیباشناسانه قرار می‌گیرد. بنابراین، افراد ممکن است از اموری لذت ببرند که در واقع، ناگوار و نازیبا است (دانش ناری و عباسی مرویان، ۱۴۰۲: ۸۲). باید دانست که کاربست زیبایی‌شناسی، مخصوص آثار هنری نیست. درک زیباشناسانه ممکن است حاصل دیدن طبیعت یا شنیدن آواز پرندگان باشد. به تعبیر دیگر، درک لذت زیباشناسانه، می‌تواند در برابر اشیای طبیعی یا مصنوعات انسان که با حواس پنجگانه درک می‌شود، به دست آید (شپرد، ۱۳۹۰: ۹۸). موضوع اصلی در زیبایی‌شناسی، تجربه افراد از درک پدیده‌ها و موقعیت‌هایی است که با نوعی برانگیختگی همراه است و با عواطف و احساسات انسانی سر و کار دارد.

زیبایی‌شناسی زشتی: زیبایی‌شناسی زشتی در حوزه زیبایی‌شناسی در معنای عام قرار می‌گیرد، اما مطالعات حوزه هنر اغلب حول محور زیبایی می‌چرخد. افلاطون نخستین بار، درباره زشتی سخن گفت. از نظر وی، زشتی نقطه مقابل زیبایی است (افلاطون، ۱۳۹۸: ۴۰۳). کارل روزنکرانتس^۴ در کتاب *زیباشناسی زشتی*، می‌گوید که زشتی مفهوم مستقل و اصیلی ندارد و تنها در صورت وجود زیبایی است که زشتی معنا می‌یابد (Rosenkrantz, 1853: 7). اکو^۵ با نگارش کتاب تاریخ زشتی، افق‌های جدیدی را درباره زشتی زیبایی‌شناسی ایجاد کرد. وی از سه نوع زشتی سخن می‌گوید. زشتی فی نفسه یا ذاتی مانند لاشه در حال فساد، زشتی صوری مانند عدم تقارن و زشتی هنری. هنگامی می‌توان از زشتی هنری سخن به میان آورد که زشتی همراه با پرداخت و نمایش هنری دقیق و ماهرانه باشد. بنابراین، زشتی فی نفسه و زشتی ظاهری ممکن است با توصیف هنری، ارزش زیبایی‌شناختی به دست آورند. به تعبیر اکو، مجازات اعدام در زمره زشتی‌های هنری جای می‌گیرد که امکان حظ زیبایی‌شناختی در آن وجود دارد (اکو، ۱۳۹۵: ۱۶۸). اصطلاح زشتی، به معنای چیز عمدتاً دردناک، ممکن است بدون آن که دلالتی بر نارزش داشته باشد، به عنوان یک گونه، موضوع زیبایی‌شناسانه قرار گیرد. براین اساس، ممکن است گزاره‌های زشت باشد، اما به لحاظ زیبایی‌شناختی، ارزشمند قلمداد شود (استالینز، ۱۴۰۱: ۱۳۲). عده‌ای می‌گویند که منظور از زشتی زیبایی‌شناختی آن است که امری بر اساس معیارهای زیبایی‌شناسی زشت انگاشته شود و ملاک‌های زیبایی را در بر نگیرد (علوی، ۱۴۰۰: ۱۶)، اما این تعریف دقیق نیست؛ زیرا مفاهیم زشتی و زیبایی به دوره‌های تاریخی متفاوت و به فرهنگ‌های مختلف بستگی دارند. خصوصیات و اوصاف زیبایی یا زشتی بیشتر از آن که به هنرشناسی مربوط شود، به موازین اجتماعی و سیاسی مربوط

¹ Alexander Gottlieb Baumgarten.

² Kant.

³ Critique of Judgment.

⁴ Karl Rosenkranz.

⁵ Eco

است (اکو، ۱۳۹۵: ۳-۴). زشتی می‌تواند یک ویژگی زیبایی‌شناختی به حساب آید؛ چرا که زشتی به همان روشی ادراک می‌شود که سایر ویژگی‌های زیباشناسانه به ادراک در می‌آیند (تاوانزند، ۱۳۹۳: ۲۲۶). در واقع، زشتی و زیبایی دو مفهوم متضاد و مخالف یکدیگر نیستند، بلکه در بسیاری از موارد مکمل و تکمیل‌کننده یکدیگرند.

یافته‌ها

مهمترین یافته‌های پژوهش بر اساس تحلیل محتوای کیفی در ذیل مقوله‌های مجازات و تولید اثر هنری، زیبایی نمایش اعدام، مجازات به عنوان نمایش قدرت، مجازات و زیبایی‌شناسی آیینی ارزیابی خواهد شد.

مجازات و تولید اثر هنری: تا پیش از ظهور جنبش پست‌مدرن، تنها شیء مصنوع، اثر هنری محسوب می‌شد و از زاویه زیباشناختی قابل ارزیابی بود. پس از پیدایش مکتب پست‌مدرن و ایجاد ایده‌های نو، قلمرو آثار هنری نیز گسترش یافت (عزیزیه و کلاه‌کج، ۱۳۹۹: ۶۵). پرفورمنس^۱، یکی از هنرهای جدیدی است که در دوره پسامدرن شکل گرفته است. مهمترین مؤلفه‌های این نوع نمایش این است که مرز بین اجراکننده و تماشاگر شکسته می‌شود (رهبرنیا و داوری، ۱۳۹۶: ۲۵). از این حیث، در اجرای علنی مجازات‌ها، مردم هم تماشاگر هستند و هم نقشی در نمایش بزرگ مجازات اجرا می‌کنند. شهروندان تمایل فراوانی برای شرکت و همکاری در مراسم دارند؛ همان‌طور که رمان آخرین روز یک محکوم روایت می‌کند، مردم از مجرم با فحش و ناسزا استقبال می‌کنند. این نمایش که در زمان و مکان واقعی توسط قدرت حاکم به اجرا در می‌آید، دارای معنایی مشخص برای مردم است. از این نظر، آیین تاریخی اعدام قابلیت تطابق با پرفورمنس را دارد.

در یک طبقه‌بندی از هنر، هنرهای زیبا را به هنرهای سمعی (مانند موسیقی)، هنرهای بصری (مانند نقاشی و معماری)، هنر سمبلیک یا نمادین (مانند ادبیات) و هنرهای مرکب (مانند نمایش) تقسیم می‌کنند (بیردزلی و هاسپرس، ۱۳۸۷: ۹۳-۹۴). اجرای علنی مجازات‌های بدنی در واقع نمایش دراماتیکی از اعمال خشونت مشروع بر جسم بزهکاران است. ویژگی‌های نمایشی این مجازات‌ها از جمله: چیدمان و صحنه‌پردازی سکوی مجازات، زمانبندی، حضور پر شور تماشاگران و نقش‌آفرینی بازیگران این نمایش که شامل کشیش، جلداد، مقامات حکومتی و نقش اصلی این نمایش، یعنی مجرم، باعث می‌شود تا تئاتری منحصر به فرد خلق شود. همچنین، روایت اول شخص رمان، به خواننده امکان همدردی و شرکت در نمایش را می‌دهد.

مکان و صحنه‌پردازی تئاتر مجازات نقش اساسی در نحوه ادراک و تأثیرگذاری بر حضار صحنه دارد. اجرای مجازات در میدان اصلی شهر این امکان را فراهم می‌کند تا افراد بیشتری حضور یابند. در این نمایش، سکوی اجرای مجازات را می‌توان به عنوان صحنه یا سن تئاتر در نظر گرفت که بازیگران بر روی آن نقش‌آفرینی می‌کنند. محکومی که روی این سکو قرار می‌گیرد، باید از نظر ظاهری مرتب و آراسته به نظر برسد. به همین دلیل، پیش از حضور وی در صحنه، آخرین آرایش او انجام می‌شود. یکی دیگر از جلوه‌های تشریفات مجازات، حضور یک مقام مذهبی در مراسم اجرای سلب حیات می‌باشد که نمودی از پیوند جرم و گناه است. تمام این عناصر دست به دست هم می‌دهند تا اثر هنری بزرگی خلق نمایند. یکی از معروف‌ترین صحنه‌های مجازات تعذیبی در اروپا، چهار شقه کردن دامی‌ین به جرم سوء قصد به جان پادشاه فرانسه در قرن هجدهم است. در این نمایش، ابتدا مجرم در مقابل کلیسای پاریس به جرم خود اعتراف می‌کند و سپس در میدان شهر، جلدان بدن او را شکافته و درون شکاف‌ها را با سرب مذاب و روغن جوشان پر می‌کنند و در نهایت، مجرم را به چهار اسب بسته و با کشیدن آن، بدن وی را چهار شقه می‌کنند. در تمام این مراسم، کشیشان در صحنه حضور دارند و مجرم با بوسیدن صلیب آن‌ها، از خداوند طلب بخشش می‌کند (فوکو، ۱۳۹۰: ۱۱-).

^۱ Performance.

۱۲). در این دوره، عدالت کیفری با باورهای دینی پیوندی قوی دارد و از این رو، قطعه‌قطعه کردن مجرم نوعی کفاره و تطهیر گناه است.

در نهایت، بزهکار نقش اصلی این تئاتر را بر عهده دارد. بزهکار نقش قربانی و طعمه‌ای را بازی می‌کند که جسم او در این مراسم حامل پیامی برای تماشاگران است. در صحنه نمایش مجازات، بدن بزهکار را می‌توان به منزله بوم نقاشی در نظر گرفت که با اعمال درد و رنج بر آن، یک اثر هنری خلق می‌شود. اعمال رنج بر بدن مجرم نه تنها به عنوان کیفری برای جرم، بلکه به عنوان بازنمایی اخلاقیات جامعه، نقش‌آفرینی می‌کند. از این رو، تماشاگران این صحنه، خشونت کیفر را به مثابه امری لذت‌بخش و زیبا درک می‌کنند. خون، درد و نابودی بدن بزهکار، جذابیتی تناقض‌آمیز برای مخاطبان ایجاد می‌کند. نکته قابل ملاحظه در این تفسیر، این است که مجازات خود مجرم را هدف قرار نمی‌دهد، بلکه هدف کیفرهای خشن، بدن بزهکار می‌باشد. بدین ترتیب، در رمان آخرین روز یک محکوم، می‌توان اجرای مجازات اعدام با گیوتین و نمایش محکومین به اعمال شاقه را به عنوان اثری هنری تحلیل نمود.

جدول ۱: مقوله مجازات و تولید اثر هنری

مقوله	زیرمقوله	کد	داده معنایی
مجازات و تولید اثر هنری	تئاتر مجازات	اجرای علنی مجازات، نمایشی بزرگ برای مردم است و جنبه سرگرمی دارد.	قبل از این که به برج مربع شکل گوشه کاخ دادگستری برسیم چند دکان می‌فروشی وجود دارد که در آن موقع قسمت فوقانی آن پر از مشتری بود و همه شاد و خندان بودند که برای تماشای این صحنه بهترین جا را گرفته‌اند، به خصوص زن‌ها بیشتر خوشحال بودند. حدس زدم آن روز برای می‌فروشان روز خوبی خواهد بود. ^۱
			چند تن کنجکاو که دیروز به تماشای من آمده بودند... این اشخاص مانند این که به باغ وحش و به تماشای حیوانات درنده آمده باشند از دور مرا با تعجب و حیرت نگاه می‌کردند. از این تماشا صد «سو» عاید زندانبان شد.
			امروز روزی است که به دست و پای زندانبان محکوم به اعمال شاقه غل و زنجیر می‌زنند و ایشان را به تولون می‌فرستند. آیا تو هم می‌خواهی تماشا کنی؟ به راستی که بد نیست، ترا سرگرم می‌کند.
مجازات و تولید اثر هنری	حضور تماشاچیان	تماشاگران مشتاقانه به تماشای اجرای مجازات اعدام می‌روند.	آن روز میزها و صندلی‌ها را به مردم اجاره می‌دادند و هر جا نگاه می‌کردی زمین و زمان از فشار تماشاچیان کمر خم کرده بود. دلالت خون آدمی بی‌پروا فریاد می‌زدند و می‌گفتند: که جا می‌خواهد؟ آی جا، آی جا!
			وقتی از روزنه مربع اطاقک اراه به بیرون می‌نگریستم به نظرم چنین می‌آمد که سیل جمعیت برای تماشای آن متوقف می‌شوند و خیل کودکان ولگرد به دنبال آن می‌دوند. همچنین به نظرم می‌رسید که گاه‌گاه بر سر چهار راه‌ها و در گوشه و کنار کوچه و برزن مردی و یا پیرزنی ژنده‌پوش و یا هر دو با هم می‌بینم که یک دسته اوراق چاپی در دست دارند و دهانشان مانند کسی که بخواهد فریاد بزند باز و بسته می‌شود. مردم نیز دور ایشان را گرفته‌اند و برای گرفتن آن اوراق چاپی سر و دست می‌شکنند.
			آن گاه همه مردم خواهند خندید و کف خواهند زد و هلهله و شادی خواهند کرد و در میان تمام مردمی که آزادند و زندانبان هیچ یک از ایشان را نمی‌شناسند، کسانی هستند که اکنون شاد و خندان به تماشای اعدام می‌آیند.
مجازات و تولید اثر هنری	فرم و زمانبندی دقیق اجرای اعدام	اجرای مجازات باید سر وقت و طبق قواعد انجام گیرد.	جلاد... می‌گوید اجرای حکم باید در ساعت معینی انجام گیرد و اکنون به وقت معین چیزی نمانده است. می‌گوید تأخیر در اجرای قانون برای من مسئولیت دارد.
			امروز حکم اعدام اجرا خواهد شد. ما سر ساعت هفت و نیم به زندان کونسیر ژری حرکت خواهیم کرد.

^۱ در استخراج داده‌های رمان از ترجمه آقای محمد قاضی (۱۳۶۹) استفاده شده است.

زیبایی نمایش اعدام: ارتباط زیبایی‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفر با درک ذهنی از زیبایی معنا می‌یابد. همان طور که کانت، هسته اصلی اندیشه در فلسفه هنر را ذهن‌گرایی در زیباشناسی می‌داند. کانت عینیت‌گرایی در زیباشناسی را رد می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که ذهن، گرانیگاه اصلی زیبایی است (دانش ناری و عباسی مرویان، ۱۴۰۲: ۱۰۳). یکی از موضوعات مهم در زیبایی‌شناسی هنر، مفهوم زیبایی‌شناسی زشتی است که به بررسی لذت و ادراک مخاطبان از تجربیات دردناک و خشونت‌آمیز می‌پردازد. فلاسفه و هنرمندان اغلب زشتی را ضد زیبایی توصیف می‌کنند (اکو، ۱۳۹۵: ۱). رمان آخرین روز یک محکوم، بر زشتی روان‌شناختی مجازات اعدام برای محکوم تأکید دارد که روان فرد را می‌آزارد و احساس انزجار و تشویش در وی ایجاد می‌کند (کرمی، ۱۴۰۱: ۱۹۶)، اما مجازات اعدام از نظر اخلاقی نیز نکوهیده است. باین‌وجود، مخاطبان اعدام‌های عمومی، با مشاهده رنج، درد و مرگ، نوعی ادراک زیباشناختی را تجربه می‌کردند. بدین ترتیب، اعدام، با وجود زشتی ذاتی خود، به عنوان پدیده‌ای نمایشی و دراماتیک می‌تواند جذابیت بصری و احساسی ایجاد کند. از دیگر جذابیت‌های بصری که در صحنه اجرای مجازات اعدام در رمان وجود دارد، حضور سربازان نظامی در موقعیت خاص و با لباس‌های رسمی است که نمادی از نظم کیفری و کنترل اجتماعی به شمار می‌آید. علاوه بر این، سکوی گیوتین در کنار ساحل رودخانه قرار می‌گیرد که این منظره نیز می‌تواند در نمایش زیبا از مجازات مؤثر باشد. مفهوم زشتی مجازات‌های خشن بدنی، با معانی سنتی زشتی در عالم هنر که به عدم تقارن، فقدان فرم و ترکیب‌های بی‌قواره مرتبط می‌شوند، متفاوت است. زشتی مجازات از بعد اخلاقی قابل درک است. همان طور که در یک تقسیم‌بندی بر مبنای اخلاق، زیبایی چارچوب‌بندی می‌شود؛ در باب زشتی هم می‌توان این تقسیم‌بندی را در نظر گرفت. برای نمونه، منظره جلاد فقهه‌زنی که با لذت مشغول شکنجه قربانی خود است، در دسته زشتی اخلاقی قرار می‌گیرد (فضل‌اللهی و چیت‌سازیان، ۱۴۰۲: ۴۹۲).

به هر روی، آیین اعدام تا قرن هجدهم، اغلب به عنوان نمایشی عامه‌پسند و به منظور حفظ اقتدار پادشاه اجرا می‌شد تا این که جنبه تئیهی مجازات مد نظر باشد. در سکوی مجازات، هر یک از بازیگران نقش منحصر به خود را بازی می‌کردند. در معرکه مجازات، جلاد هنرمندی محسوب می‌شد که مردم از او انتظار داشتند مجازات را به جذاب‌ترین شکل ممکن اجرا نماید. تشبیه جلادان به ستارگان سینما توسط آنتونی گیدنز به خوبی جایگاه اجتماعی این گروه در دوران طلایی اجرای مجازات‌های بدنی را می‌رساند (گیدنز، ۱۳۹۶: ۳۵) و نشان می‌دهد که در واقع، جلادان، چهره محبوب و مشهور جامعه هستند؛ همان گونه که در رمان نیز مورد احترام جامعه قرار دارند. در نمایش اعدام، جسم مجرم دارای ارزش فراوانی است که با اعمال رنج و ریختن خون وی، مناسک تکمیل می‌شود. دیگر بازیگر این صحنه که حضوری نمادین دارد، مقام مذهبی است. به واسطه حضور مقام مذهبی در این مناسک، اعمال درد و رنج بر جسم مجرم مشروعیت می‌یابد و به نمایش جنبه مذهبی و قدسی می‌بخشد.

تا اوایل قرن نوزدهم اجرای مجازات اعدام در سراسر اروپا اغلب در برابر انبوهی از تماشاگران انجام می‌شد. در این دوره، محکومان به اعدام را در گاری روبازی در خیابان‌ها می‌گرداندند تا به عنوان بخشی از یک نمایش پرآوازه تبلیغاتی با سرانجام خود روبه‌رو شوند و همزمان، جمعیت با هلهله کردن یا سوت کشیدن و هو کردن، شادی یا خشم خود را ابراز می‌کردند (همان: ۳۴). بدین ترتیب، تماشاگران نه تنها با محکومان همدردی نمی‌کنند، بلکه از تماشای درد و رنج محکومان لذت می‌برند. اکو به مجازات‌های اعدام سلطنتی و زنده‌زنده قطع کردن اعضای بدن که با شور و اشتیاق جمعیت نظاره‌گر همراه است، اشاره می‌کند و این میل به خشونت و قساوت که در نهاد بشر سرشته شده را ناشی از سادیسم می‌داند، همان گونه که مارکی دو ساد تحقیر جسم دیگران را گرامی می‌دارد (اکو، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

شاید بتوان گفت، مهمترین عنصر زیبایی‌شناختی در آیین اعدام که در رمان آخرین روز یک محکوم، به تصویر کشیده شده، جاری شدن خون مجرم است. همان طور که دورکیم می‌گوید خون نقش اساسی در مناسک و آیین‌های باستانی ایفا می‌کند (دورکیم، ۱۳۹۸: ۴۵۶). در این آیین‌ها خون علاوه بر حیات‌بخشی، پاک‌کننده نیز هست. بنابراین، ریختن خون مجرم، علاوه بر بازتولید حیات جامعه، موجب تطهیر و پاکی خود او نیز می‌شود. در فرهنگ‌هایی که جرم با

گناه پیوند خورده است، کیفر دادن نوعی پاکسازی تشریفاتی عناصر آلوده جامعه به حساب می‌آید (گارلند، ۱۳۹۵: ۲۷۷). در رمان آخرین روز یک محکوم، اعدام مجرم با دستگاه گیوتین اجرا می‌شود. گیوتین هم از نظر معماری و ساخت و هم به عنوان یک ابزار نمادین می‌تواند نوعی زیبایی را تداعی نماید. پس از انقلاب فرانسه از گیوتین به عنوان روش اجرای اعدام استفاده می‌شد؛ با این تصور که به عنوان یک ماشین مطلوب طراحی شده و بدون هیچ درد و رنجی، به زندگی انسان پایان می‌بخشد. در اواخر قرن نوزدهم و بیستم، این جنبش به سمت ابزارهای تخصصی‌تر نظیر صندلی الکتریکی و محفظه‌های گاز حرکت می‌کند و به این صورت، کشتن به امری تخصصی و علمی تبدیل می‌شود (همان، ۳۲۹). از بعد جامعه‌شناختی، گارلند این سیر تحول مجازات و کاهش خشونت آن را ناشی از عقلانیت و تمدن جوامع مدرن می‌داند، اما حقیقتی را که در خصوص مجازات در جوامع مدرن نباید فراموش کرد، این است که در واقع خشونت ظاهری مجازات از دید جامعه پنهان شده است، ولی همچنان بعد پنهان این خشونت به حیات خود ادامه می‌دهد.

جدول ۲- مقوله زیبایی نمایش اعدام

مقوله	زیر مقوله	کد	داده معنایی
زیبایی نمایش اعدام	ادراک زیبایی‌شناختی از تئاتر مجازات	تماشای مجازات اعدام، ادراک زیبایی‌شناختی برای تماشاگران به ارمان می‌آورد.	پیرزنی با چشمان میخی می‌گفت: باز من این ارابه را از زنجیر بیشتر دوست دارم! من خوب معنی این حرف را درک می‌کنم. این صحنه، هم نمایشی است که آسان‌تر یعنی به یک نگاه دیده می‌شود و به علاوه هم زیباست و هم راحت و بی‌دردسر. در این نمایش چیز مبهم و گیج‌کننده وجود ندارد.
			از میدان اعتصاب و از سنگ‌فرش‌های میدان تا بام خانه‌های اطراف آن غریب و فریاد برخاست. مردم از روی پل‌ها و از ساحل رودخانه به این غریب و فریاد پاسخ دادند و صدا چنان بود که گفتم اکنون زمین به لرزه در خواهد آمد.
			دو دختر جوان را تشخیص می‌دهم که با چشمان بهت‌زده و مشتاق به دنبال من می‌دوند. دختر کوچکتر دست می‌زد و می‌گفت: چه خوب!... شش هفته دیگر کارش را خواهند ساخت.
زیبایی نمایش اعدام	استقبال مردم از تماشای اعدام	مردم در هر شرایطی تماشای مجرمان و مجازات آن‌ها را از دست نمی‌دهند.	صدایی از مردم برخاست که: اینک محکوم آمد! بالاخره سر و کله‌اش پیدا شد! کسانی که نزدیکتر به من ایستاده بودند دست زدند. هلهله و فریاد شادی تماشاگران به حدی بود که هرگز برای یک پادشاه نیز چنین تظاهری نمی‌کردند.
			صدای نهیب تازیانه‌ها و غریب زنجیرها و غرش جمعیتی که دشنام و نفرین نثار راه مسافری محکوم (محکومین به اعمال شاقه) می‌کردند هر لحظه ضعیف‌تر می‌شود.
			ای جمعیت وحشت‌انگیز که مانند کفتار فریاد می‌زنید، وای از دست شما!
زیبایی نمایش اعدام	زیبایی مجازات با گیوتین	ابزار اجرای اعدام گیوتین است. خود این ابزار نیز هم از جهت شکلی و هم از جهت مرگ سریع، برای مردم زیبا است.	می‌گویند اعدام چیز مهمی نیست و کسی از آن رنج و درد نمی‌بیند. می‌گویند چنین مردنی بسیار شیرین و بی‌دردسر است و هرگز ساده‌تر این نمی‌توان مرد.
			وقتی از فراز سر مردم، آن دو بازوی سرخ گیوتین و آن مثلث سیاه واقع در انتهای آن‌ها را دیدم که در میان دو تیر چراغ ساحل رودخانه قد برافراشته است دلم فرو ریخت
			فردای آن روز از آغاز دمیدن سپیده صدای برافراشتن چهارچوب گیوتین از میدان اعتصاب به گوش می‌رسد و جارچیان ناخوش‌آواز بر سر چهار راه‌ها، به زوزه کشیدن مشغول می‌شوند.

مجازات به عنوان تئاتر قدرت: قدرت و مجازات همواره در طول تاریخ به شکلی زیبایی‌شناسانه نمایش می‌یابند. در دوره‌ای که رمان آخرین روز یک محکوم آن را روایت می‌کند، مجازات یک مصرف نمایشی دارد و همان طور که اکو در مصاحبه خود با فرانسوا بونل می‌گوید: هنر می‌تواند زشتی دنیا را دلپذیر کند (اکو، ۱۳۹۵: ع). قدرت از نمادها و آیین‌های خاص در مجازات‌های علنی خشن، برای نمایش هنری اقتدار خود استفاده می‌کند. معماری ساختمان دادگاه و زندان نیز نمونه‌هایی از نمایش قدرت می‌باشند که نشان‌دهنده هیبت و جبروت قدرت حاکم است. هوگو نیز در رمان آخرین روز یک محکوم، از بزرگی و عظمت ساختمان دادگاه و زندان و همچنین احساسی را که در بیننده بر می‌انگیزد، سخن می‌گوید. در یک دیدگاه، آیین مجازات در ملاءعام، نمایشی نمادین برای بازتولید قدرت پادشاه است. در این آمفی تئاتر باشکوه، محکوم با نقض قوانین به ساحت پادشاه تعرض کرده است و در پایان بازی مجازات، به عنوان «دیگری» از اجتماع حذف می‌شود (دانیالی، ۱۴۰۲: ۵۰). بنابراین، اعدام در ملاءعام و نمایش تهدیدآمیز قدرت، یک عنصر ضروری در حفظ دولت تلقی می‌شود (گارلند، ۱۳۹۵: ۳۰۵).

به نظر میشل فوکو، رابطه میان قدرت و زیبایی‌شناسی در حوزه جرم و مجازات نمود پیدا می‌کند. او مفاهیمی همچون «نمایش چوبه‌دار» و «ماشین نمایشی عدالت کیفری» را ابداع می‌نماید و مجازات را «هنر طبقات برخوردار» معرفی می‌کند (Foucault, 1977: 282-284). گارلند از نظریات فوکو مبنی بر این که مجازات امری قراردادی است که توسط قدرت و نیروهای حاکم بر ساخته می‌شود، بهره می‌گیرد (نورپور، ۱۳۹۹: ۸). دیوید گارلند معتقد است که هر پرسش بنیادینی در مورد مجازات مرگ باید بر محور قدرت متمرکز شود. وی بر این باور است در قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی، از مجازات مرگ به دلایل متعددی استفاده می‌شود، ولی هسته اصلی آن را کارکردگرایی تشکیل می‌دهد؛ که همان صیانت و حمایت از قدرت دولتی است. بر این اساس، اعدام صرفاً یک مجازات فنی علیه اشخاص نیست، بلکه نیاز اساسی حکومت برای صیانت از قدرت خود است (Garland, 2011: 37). مردمی که به تماشای مجازات اعدام می‌آیند، با دیدن اجرای مجازات، احساس می‌کنند که عدالت اجرا می‌شود و از این طریق، مقبولیت حکومت بین مردم افزایش می‌یابد. درک زیبایی از نمایش مجازات توسط مردم نیز در مقبولیت قدرت از دید آن‌ها اثر می‌گذارد.

از جمله نکات اساسی در تبیین گارلند از کیفر، بهره‌گیری از تاریخ مجازات برای نظریه‌پردازی در دوران معاصر است (رستمی غازانی، ۱۳۹۸: ۴۲۵). تا پیش از ظهور عصر سرمایه‌داری، قدرت از مجازات تنها به عنوان وسیله کنترل اجتماعی استفاده می‌کند، اما با ظهور سرمایه‌داری، سیاست‌های کیفری در اروپا دچار تغییر و تحول می‌شود و در اولین گام، مجازات‌های خشن بدنی کاهش می‌یابد. فوکو، ملایمت کیفر در عصر صنعتی را ناشی از به وجود آمدن این سؤال می‌داند که چرا جامعه باید زندگی و بدنی را نابود کند که می‌تواند آن را به مالکیت خود درآورد و متناسب با جرم وی، در راستای خدمت به کشور به کار گیرد؟ (فوکو، ۱۳۹۰: ۱۳۷). در این دوره، قانون کیفری به خدمت طبقه سرمایه‌دار جامعه درمی‌آید. ظهور قدرت سرمایه‌داری مبتنی بر دو عنصر انضباط و تولید ثروت، آغازی بر پایان خشونت‌طلبی پادشاهان مستبد است. با ظهور قدرت مبتنی بر سرمایه، آماج خشونت کیفری، دیگر بدن مجرم نیست، بلکه توان تولیدی بدن وی می‌باشد (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۶: ۵۹-۵۶). بنابراین، مجازات‌هایی همچون حبس با اعمال شاقه، پارو زنی در کشتی‌ها، تبعید به مستعمرات با هدف آبادسازی و تولید ثروت، جایگزین کیفرهایی نظیر اعدام و چهارشقه کردن در سکوهای عمومی اجرای مجازات می‌شود (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۸: ۴۱۴). در واقع، قدرت از مجازات برای اهداف مختلفی بهره می‌برد. در دوره‌ای مجازات‌های بدنی یک نمایش زیبا برای بازتولید قدرت محسوب می‌شود و در دوره‌ای دیگر این نمایش جای خود را به سیاست استفاده بهینه از بدن بزهکار می‌دهد. قدرت با استفاده از سیستم قضایی، نقش کارگردان یک تئاتر را بازی می‌کند و او است که تعیین می‌کند، نمایش به چه ترتیبی اجرا شود.

در جوامع مدرن، دیگر مجازات‌های خشن نمایش زیبا و لذت‌بخشی به حساب نمی‌آید و اذهان عمومی خشونت‌های وحشتناک مجازات‌ها را نکوهش می‌کند. این سیر تاریخی، نشان‌دهنده تغییر ادراک زیبایی از مجازات در دوره‌ها و جوامع مختلف است. زیبایی و زشتی از منظر زیبایی‌شناسی امری نسبی است و به فرهنگ، جامعه و آداب و رسوم یک

ملت بستگی دارد (علوی، ۱۴۰۰: ۳۷). به اعتقاد گارلند، فرهنگ عامل مهمی در مطالعات پیرامون مجازات است (رستمی‌غازانی، ۱۳۹۸: ۴۲۷). فرهنگ اشکال و حدود مجازات، همچنین سلسله مراتب و گروه‌هایی را معین می‌کند که در حوزه مجازات فعالیت می‌کنند (گارلند، ۱۳۹۵: ۲۷۶). در این چارچوب، احساسات، عواطف و قواعد رفتاری یک اجتماع بر روی سازمان مجازات اثرگذار است. از سوی دیگر، درک زیبایی‌شناسی نیز ریشه‌های فرهنگی دارد. فرهنگ و بازنمودهای فرهنگی، معیارهای زیبایی را در طول تاریخ تعریف و تعیین می‌کند. بدین ترتیب، بخشی از ادراک زیبایی؛ یعنی ادراک معنا، نشان‌ها و نمادها به فرهنگ و آداب و رسوم یک جامعه مرتبط می‌شود (رستخیز و افضل طوسی، ۱۳۹۶: ۱۳). به عبارت دیگر، درک زیبایی‌شناختی از پدیده مجازات‌های خشن بدنی ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ مردم در آن دوره دارد. از این رو، مجازات از یک نمایش دقیق و پر از جزئیات در جوامع سنتی به تکنولوژی کنترل در جوامع مدرن تبدیل می‌شود.

جدول ۳- مقوله مجازات به عنوان تئاتر قدرت

مقوله	زیرمقوله	کد	داده معنایی
مجازات به عنوان تئاتر قدرت	نفس تماشاگران در مشروعیت‌بخشی به قدرت	جامعه با تأیید و استقبال از احکام و مجازات‌های خشن، عملکرد قدرت در قبال مجرمان را تصدیق می‌کند.	جمعی تماشاگر مشتاق که به نیمکت‌های تالار دادگاه هجوم می‌آوردند و همچون کلاغان که در کمین لاشه‌ای باشند مترصد و نگران من بودند. سه روز بود که بساط خیمه‌شب‌بازی دادگاه به پا شده بود و بازیگران این خیمه‌شب‌بازی، یعنی قضات و شهود و وکلای مدافع و مدعیان عمومی، گاهی با قیافه‌های مضحک و عجیب و غریب و گاهی با وضعی رعب‌انگیز و خون‌آشام، لیکن به هر صورت عبوس و درهم و شوم، از جلو چشم من می‌رفتند و می‌آمدند.
			مردم پس از استماع حکم، فریاد بر آوردند که: محکوم به اعدام!... و در حینی که نگهبانان مرا از تالار بیرون می‌بردند، جمعیت با صدای مهیب عمارتی که فرو بریزد سر در پی من نهاد.
مجازات به عنوان تئاتر قدرت	عدالت کیفری به عنوان ابزار کنترل اجتماعی	قدرت از مجازات در جهت حفظ اقتدار خود استفاده می‌کند.	محال است که حکم عفو مرا بدهند زیرا می‌گویند من باید عبرت دیگران شوم. از من تا مرگ بیش از سه قدم راه نیست. زندان بی‌ستر، زندان کنسیر ژری و میدان اعتصاب. به حکم قانون و مقررات و تشریفات و به خاطر خیر و صلاح عمومی مرا خواهند کشت، آه، ای خدای بزرگ!
			به راستی که عمل این جلادان از اینکه مردم را به نام مقتضیات سیاسی و به جرم این فکر داشته و خواب و خیال خوشی در سر می‌پروراندند دچار حقیقت وحشتناکی به نام گیوتین می‌کنند. چقدر وحشت‌انگیز و شرم‌آور است!
مجازات به عنوان تئاتر قدرت	نمایش زیبای مجازات توسط مجریان	قدرت، اعمال درد و رنج بر جسم بزهدار را به شیوه‌ای زیبا اجرا می‌نماید.	موهای بریده من دسته دسته به دور گردن و شانه‌هایم ریخت و مردی که کلاه سه گوش بر سر داشت با دست‌های خشن و زمخت خود، آن‌ها را جمع می‌کرد... این را آرایش محکوم می‌گویند... بدین طریق همه تشریفات مقدماتی انجام یافت و دیگر کاری باقی نبود.
			سربازانی که در جلو طارمی کاخ دادگستری به انتظار ایستاده بودند در اینجا به ملتزمین رکاب من پیوستند. ناگهان از هزاران دهان این نعره برخاست که: کلاه از سر بردارید، کلاه از سر بردارید! چنان که برای پادشاه نیز چنین می‌گویند.

مجازات و زیبایی‌شناسی آیینی: آیین شگفت‌انگیز مجازات سرشار از نمادها، معانی و پیچیدگی‌های فرهنگی است که در بافتار تاریخی، نشان‌گر خصوصیات هر جامعه‌ای است. در جوامع اولیه، آیین مجازات به صورت قربانی کردن مجرم برای مقابله با تهدیدهای طبیعی و مخاطرات ناشناخته شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، مجازات از بدو تولد با امر

قدسی پیوند می‌خورد و حیاتی آیینی پیدا می‌کند. آیین مجازات در رمان آخرین روز یک محکوم، نیز در قالب جشن و سرگرمی و اجرای کارناوال اعدام روایت می‌شود.

گارلند مجازات را به عنوان یک فرآیند متمایز اجتماعی و در درون یک شبکه گسترده اجتماعی تحلیل می‌کند (Garland, 1991: 20). در این شبکه، مجازات از دیگر نهادهای اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. از این زاویه، مجازات را می‌توان در قالب یک آیین اجتماعی بررسی کرد. مناسک و آیین‌ها موجود در تمدن‌های باستانی، فرآیند زیبایی‌شناختی تولید می‌کنند. آیین‌ها، علاوه بر راضی کردن میل جامعه، موجب همبستگی و یکپارچگی در قالب تجربه زیبایی‌شناختی می‌شود و بدین ترتیب، ارزش‌های اجتماعی را از قلمروی انتزاعی خود، وارد قلمرو تجربه می‌کند (دیویی، ۱۳۹۱: ۴۸۱). اجرای علنی مجازات، افراد را با ارزش‌های تعیین‌یافته جامعه منطبق می‌کند و از این طریق هم به آن‌ها هویت می‌بخشد و همچنین، افراد را به بخشی از ناخودآگاه جمعی بدل می‌کند (نورپور و ساداتی، ۱۴۰۰: ۱۶۰). بنابراین، یکی از کارکردهای شعائر و مراسم جمعی از جمله، مراسم مجازات این است که حس انسجام و همبستگی گروهی را تحکیم و تقویت می‌کند (گیدنز، ۱۳۹۶: ۵۲). کارکرد بعدی آیین مجازات‌ها، فردیت‌زدایی از افراد جامعه است. آیین‌ها تمام ابعاد زندگی را فرا می‌گیرد و مانع ظهور فردیت در جامعه می‌شود. اجرای مجازات به شکل آیینی و نمایشی، می‌تواند از فرآیند خشن، بی‌روح و منزجرکننده اجرای علنی مجازات، تصویری زیبا ارائه نماید (نورپور و ساداتی، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۶۱). در پس اجرای علنی مجازات یک سیاست مشارکت جمعی وجود دارد. هر فرد با شرکت در مراسم اجرای مجازات، به بخشی از این فرآیند بدل می‌گردد. بنابراین، تک‌تک افراد جامعه در مقابله با فردی که هنجارهای و ارزش‌های مورد وفاق آن‌ها را نقض کرده ایفای نقش می‌کنند و از این که توانسته‌اند نقشی در این مراسم بازی کنند، احساس رضایت و خشنودی می‌کنند. این تجربه جمعی زیبایی‌شناختی و لذت از تماشای آیین مجازات، موجب شکل‌گیری احساسات مشترک و همدلی جامعه می‌شود.

مجازات یک آیین کفاره‌پرداز است. مجرم در این آیین باید قربانی شود تا جامعه حیات اجتماعی خود را باز یابد. آیین مجازات در رمان آخرین روز یک محکوم با خون و رنج گره خورده است. در این نمایش حضور مقام مذهبی به مراسم مجازات، قداست می‌بخشد و این نمایش را از یک اجرای معمولی به مراسمی آیینی تبدیل می‌کند. از این رو، آیین مجازات در رمان کارکرد زیبایی‌شناسانه دارد. مجازات در جوامع سنتی، پاسخی عاطفی است که ملاپمت کمتری دارد و به واسطه نفس مجازات، مجازات اجرا می‌شود (بریث ناچ، ۱۳۸۷: ۴۹). به تعبیر گارلند، به ویژه در جوامع کمتر توسعه‌یافته، مجازات برای مجازات اجرا می‌شود؛ بدون این که به دنبال نتیجه خاصی باشد (Garland, 1990: 31). بنابراین، در این جوامع، مجازات فارغ از تمام اهدافی که برای آن برشمرده‌اند؛ با احساسات و عواطف جامعه در ارتباط است. همین امر موجب می‌شود تا این نمایش به آیینی بدل شود که نتیجه آن، یک تجربه زیبایی‌شناسانه جمعی است.

جدول ۴- مقوله مجازات و زیبایی‌شناسی آیینی

مقوله	زیرمقوله	کد	داده معنایی
مجازات و زیبایی‌شناسی آیینی	مجرم به عنوان قربانی آیین مجازات	نمایش مجازات به بدن بزهکار نیاز دارد؛ زیرا قربانی کردن مجرم برای جامعه لذت‌بخش است.	زندانبانان مسؤل جان منند... ایشان باید مرا برای بردن به میدان اعتصاب و سپردن به دست جَلاد صحیح و سالم نگاه دارند.
			آیا این بدبختان هرگز به این مسئله مهم و جانگداز توجه کرده‌اند که کسی را که محکوم به اعدام می‌کنند دارای فکر و ادراکی است که پابند زندگی است، روحی دارد که هرگز آماده برای مرگ نیست؟ خیر، خیر، ایشان در همه این تشریفات بجز فرود آمدن کارد بر آن و سه گوش گیوتین چیزی نمی‌بینند و جز به این فکر که محکوم ناگزیر از مرگ است و آغاز و انجامی غیر از مرگ ندارد، نمی‌اندیشند.
مجازات و زیبایی‌شناسی	نقش مذهب و سنت در توجیه	کشیش در آیین مجازات نقش مهمی	این کشیش دعاخوان زندان است و وظیفه او این است که زندانبانان را تسلی و دلجویی دهد و ایشان را تشویق و ترغیب کند، و امرار معاش او از همین راه

مقوله	زیرمقوله	کد	داده معنایی
آیینی	مجازات	را ایفا می‌کند. حضور وی به مجازات جنبه الهی می‌بخشد.	است. محکومین به اعمال شاقه و زندانیان دیگر در دستگاه نطق و بیان و فصاحت و بلاغت او به منزله فترند. او ایشان را به اعتراف گناهان وا می‌دارد و در زندان یا در محل اعدام ایشان حاضر می‌شود زیرا برای او نیز در این صحنه محلی و نقشی مقرر است. عمر او در این کار گذشته است که محکومین را به پای مرگ بیاورد و به دست جلاد بسپارد.
			مردی را می‌خواهند اعدام کنند... شما باید در پای گیوتین او را در آغوش بگیرید و در همان نقطه با او بمانید تا سرش به کناری بیفتد و تنش به گوشه‌ای.
مجازات و زیبایی‌شناسی آیینی	مجازات به عنوان یک آیین اجتماعی	مجازات آیین اجتماعی بزرگی با تشریفات ویژه است که تجربه ادراک جمعی زیبایی از این نمایش را فراهم می‌کند.	تا شش ساعت دیگر سرم را به گوشه‌ای خواهند انداخت و تنم را در گوشه دیگری تشریح خواهند کرد. سپس باقیمانده وجود مرا در تابوتی خواهند ریخت و به قبرستان کلامار که مخصوص مجرمین است خواهند برد.
			چشم من از اعماق آن دخمه تاریک ناگهان به هزاران سر افتاد که در میان باران فریاد می‌کشیدند و پراکنده بر پله‌های کاخ دادگستری ایستاده بودند. در سمت راست در کاخ و در آستانه آن، صفی از سربازان سوار ایستاده بودند... در طرف چپ کاخ، در قسمت عقب، ارابه‌ای نمایان بود که نردبان بلندی به آن تکیه داده بودند. این همه، پرده نقاشی وحشت‌انگیز و نفرت‌خیزی بود که در چارچوب در کوتاه دخمه زندان قاب گرفته بودند.

نتیجه‌گیری

معمولاً هنگامی که از هنر و زیبایی آن سخن به میان می‌آید، بسیاری از افراد تصور می‌کنند که تنها از اثر زیبا می‌توان لذت برد، اما بر خلاف این باور، زشتی نیز می‌تواند ادراک زیبایی‌شناسانه و همراه با لذت، به ارمغان آورد. از این رو، اجرای علنی مجازات‌ها در رمان آخرین روز یک محکوم، از دو جنبه زشتی و زیبایی بررسی شد. خشونت مجازات و بی‌رحمی موجود در آن، پدیده‌های زشت و غیر اخلاقی است که از جنبه زشتی زیبایی‌شناسی دارای جذابیت بصری است و تماشاگران از آن لذت می‌برند. در مقابل، اجرای آیینی و جشن‌گونه مراسم مجازات از حیث تشریفات، نظم آیینی و نمادها دارای عناصر زیبایی‌شناسی است و ادراک جمعی از زیبایی حاصل می‌شود که موجب ایجاد همبستگی و یکپارچگی جامعه است و افراد جامعه را در یک نقطه مشترک به هم متصل می‌کند.

تاریخ تحول مجازات‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌های جمعی نقش مهمی در درک زیبایی یا زشتی یک پدیده دارد. زشتی و زیبایی مفاهیمی نسبی و قراردادی است که در دوره‌ها و فرهنگ‌های مختلف، درک متفاوتی نسبت به آن‌ها وجود دارد. در جوامع سنتی به دلیل انسجام و حاکم بودن فرهنگ واحد، اجرای علنی مجازات‌های خشونت‌آمیز برای جامعه قابل پذیرش است و این نمایش، یک معنای مشترک برای بینندگان دارد. ابزار اجرای مجازات معمولاً در مکانی قرار می‌گیرد که در دیدرس شهروندان و مسافران باشد و به عنوان نماد عدالت شناخته می‌شود، اما به تدریج و با پیشرفت جوامع، ابزارهای موقتی بعد از اجرای مجازات از معرض دید عموم خارج می‌شود. با تحول جوامع و تکثر فرهنگی آن‌ها، مجازات کارکرد نمادین خود را از دست داده و به نمایشی بدون تماشاگر تبدیل می‌شود.

در ادوار مختلف تاریخ، حکومت‌ها به اشکال مختلفی مردم را به تبعیت واداشته‌اند. ایدئولوژیک‌سازی، یکی از روش‌های مرسوم برای قبولاندن خواسته‌های قدرت به مردم و اقناع آن‌ها است. مجازات نیز از این امر مستثنی نیست.

هر جرمی تجاوز به حریم پادشاه است و از آن جا که پادشاه خود را نماینده خدا بر روی زمین معرفی می‌کند؛ ارتکاب جرم به معنای سرپیچی از امر خداوند محسوب می‌شود. در طول تاریخ، حکومت‌ها با الهی‌سازی مجازات‌ها به رفتار خشونت‌بار خود در برابر مردم، مشروعیت می‌بخشند و با نمایش عمومی مجازات، به تعبیری یک تئاتر خیابانی برگزار می‌کنند. این نمایش یک تصویر هنری از مجازات خلق می‌کند و موجب می‌شود تا مردم از تماشای مجازات‌ها لذت ببرند. این اثر هنری، روان و ذهن مخاطبان و تماشاگران را تحت تأثیر قرار می‌داد و ناخودآگاه آن‌ها را به سمت تبعیت از حکومت می‌کشاند. بنابراین، قدرت حاکم تلاش می‌کند تا صحنه مجازات و آثار آن را زیبا نمایش دهد. اما مجازات تنها ابزار قدرت نیست؛ به عقیده گارلند مجازات یک پدیده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. از این رو، نقش فرهنگ و تمدن جامعه در تحول مجازات حائز اهمیت است. فرهنگ مجازات در هر جامعه، ریشه در سنت‌های آن جامعه دارد. بنابراین، متمدن شدن جوامع نقش اساسی در کاهش خشونت مجازات ایفا می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که درک زیبایی‌شناختی از مراسم مجازات نیز در تحول مجازات‌ها نقش دارد. تا زمانی که تماشاگران از تماشای مجازات احساس لذت می‌کنند، قدرت نیز به تبعیت از احساس شهروندان این مراسم را تکرار می‌کند، اما زمانی که احساس رضایت و لذت در میان مردم از بین می‌رود، به تدریج این نمایش بزرگ از انظار عمومی رخت بر می‌بندد.

منابع

- استالینز، جروم (۱۴۰۱). «زشتی»؛ در: *دانشنامه زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر*، ترجمه انشاءالله رحمتی، چاپ دوم، تهران: نشر سوفیا.
- اسفندیاری، سیمین (۱۳۹۲). «تطبیق زیبایی‌شناسی در فلسفه افلاطون و دکارت»، *نشریه فلسفه*، ۴۱(۱): ۸۴-۶۷.
- افلاطون (۱۳۹۸). *دوره آثار افلاطون*، ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: خوارزمی.
- اکو، امبرتو (۱۳۹۸). *تاریخ زشتی*، ترجمه هما بینا و کیانوش تقی‌زاده انصاری، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- بریث ناچ، سیموس (۱۳۸۷). *جرم و مجازات از نظرگاه امیل دورکیم*، تهران: انتشارات خرسندی.
- بووی، اندرو (۱۳۸۵). *زیبایی‌شناسی و ذهنیت از کانت تا نیچه*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: فرهنگستان هنر.
- بیردزلی، مونروسی و هاسپرس، جان (۱۳۸۷). *تاریخ و مسائل زیباشناسی*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، چاپ دوم، تهران: هرمس.
- تاونزند، دینی (۱۳۹۳). *فرهنگ‌نامه تاریخی زیبایی‌شناسی*، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمدجواد (الف) (۱۳۹۴). *ماهیت فلسفی و جامعه‌شناسی کیفر*، تهران: نشر میزان.
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمدجواد (ب) (۱۳۹۶). «از تراژدی تعذیب تا کمدی اصلاح؛ اراده قدرت و وجدان جمعی»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۵(۹۳): ۴۳-۶۴.
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمدجواد (ب) (۱۳۹۸). «جامعه‌شناسی کیفری و واقعیت چندگانه مجازات»؛ در: *دائرة المعارف علوم جنایی*، جلد چهارم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- دانش ناری، حمیدرضا و عباسی مرویان، فوزان (۱۴۰۲). «زیباشناسی جرم؛ تأملی بر واگرایی فلسفه هنر و فلسفه نظم و امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا*، ۸(۳): ۷۹-۱۱۸.
- دانیالی، عارف (۱۴۰۲). *میشل فوکو: زهد زیبایی‌شناسانه به مثابه گفتمان ضد‌دیداری*، چاپ دوم، تهران: تیسسا ساغر مهر.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۸). *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ هفتم، تهران: مرکز.
- دیویی، جان (۱۳۹۱). *هنر به منزله تجربه*، ترجمه مسعود علیا، چاپ اول، تهران: ققنوس.

- رستخیز، سارا و افضل طوسی، عفت السادات (۱۳۹۶). «تأثیر فرهنگ زیبایی‌شناسی در تاریخ هنرهای صناعی ایران»، *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۱(۲۰): ۱۳ - ۳۰.
- رستمی‌غازانی، امید (۱۳۹۸). «مجازات در نظریه اجتماعی - سیاسی دیوید گارلند»: در: *دائرة المعارف علوم جنایی*، کتاب چهارم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- رستمی، هادی و جعفریان، سیدحسن (۱۳۹۷). «گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در «آخرین روز یک محکوم»»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۹(۱): ۱۳۹ - ۱۶۰.
- رهبرنیا، زهرا و داوری، روشنگر (۱۳۹۶). «بررسی تعزیه و هنر اجرا (پرفورمنس آرت) با تأکید بر تعامل با مخاطب»، *باغ‌نظر*، ۱۴(۴۹): ۱۹ - ۳۰.
- سلمانی، علی (۱۳۹۴). «رابطه زیبایی با اخلاق در زیباشناسی کانت»، *متافیزیک*، ۵۱(۲۰): ۶۵ - ۷۹.
- شیرد، آن (۱۳۹۰). *مبانی فلسفه هنر*، ترجمه علی رامین. چاپ هشتم، تهران: علمی و فرهنگی.
- عزت‌اللهی‌نژاد، طیبه (۱۴۰۲). «از فلسفه تا انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی»، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۳(۲۵): ۱۳۹ - ۱۶۵.
- عزیزیه، ندا و کلاه‌کج، منصور (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی مفهوم اثر هنری در دوران مدرن و پست مدرن و تأثیر آن بر فرآیند موزه‌ای شدن اثر»، *پیکره*، ۹(۲۱): ۶۴ - ۷۳.
- علوی، فاطمه السادات (۱۴۰۰). *تحلیل زیبایی‌شناسی زشتی به روایت امبرتو اکو*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه هنر، دانشکده‌گان پردیس فارابی، قم.
- فضل‌اللهی، صفورا و چیت‌سازیان، امیرحسین (۱۴۰۲). «زشتی‌شناسی در اندیشه سهروردی»، *فلسفه و کلام اسلامی*، ۵۶(۲): ۴۹۱ - ۵۰۹.
- فوکو، میشل (۱۳۹۰). *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۳). *نقد قوه حکم*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- کرمی، محسن (۱۴۰۱). «درآمدی به زیبایی‌شناسی زشتی جستاری در چیستی زشتی و کارکردهای آن در دنیای هنر»، *دوفصلنامه فلسفی شناخت*، ۱۱(۱): ۱۸۵ - ۲۰۷.
- کوش، سلینا (۱۳۹۶). *اصول و مبانی تحلیل متون ادبی*، ترجمه حسین پاینده، تهران: انتشارات مروارید.
- گارلند، دیوید (۱۳۹۵). *مجازات و جامعه مدرن*، ترجمه نبی‌اله غلامی، تهران: میزان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان تهران: نشر نی.
- معظمی‌فراهانی، بیتا (۱۳۸۷). «ویکتور هوگو، نویسنده قهرمان پرور یا قهرمان سخنوری»، *مطالعات نقد ادبی*، ۱(۱): ۱۱۵ - ۱۲۹.
- نورپور، محسن و ساداتی، سیدمحمدجواد (۱۴۰۰). «مطالعه جامعه‌شناختی تحولات مجازات در ملاءعام در جامعه پسانقلاب ایران»، *پژوهش‌های حقوق جزا*، ۹(۱۷): ۱۵۳ - ۱۷۸.
- نورپور، محسن (۱۳۹۹). *تحلیل جامعه‌شناختی پیوند میان تحول در گفتمان‌های حاکم و تحول در کیفرهای بدنی در ایران*، رساله دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- هالوری، گابریل (۱۳۹۳). *کیفردهی آموزه‌های مدرن*، ترجمه علی شجاعی، تهران: انتشارات دادگستر.
- همتی، همایون (۱۳۸۶). *فهم هنر و هنر فهم*، آبادان: انتشارات پرسش.
- Baumgarten, Alexander (2007). *Aesthetica, Reflections on Poetry*, University of CA, Berkeley.
- Durkheim, Emile (1961). *Moral Education*, New York: Free Press.
- Foucault, Michel (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*, London: Penguin.
- Garland, David (1990). *Punishment and Modern Society: A Study in Social Theory*, Clarendon Press, Social Science, university of Oxford.
- Garland, David (1991). *Sociological Perspective on Punishment, Crime and Justice*, Vol 14. 1-15.

- Garland, David (2011). Modes of Capital Punishment: The Death Penalty in Historical Perspective. In *America's Death Penalty: Between Past and Present*. NYU Press, 30-71.
- Rosenkrantz, Karl (1853). *Asthetik des Hasslichen*, Königsberg: Verlag der Gerbruder Bornträger.